دو فصلنامه مشاوره کاربردی
۷۸-۵۷، (۲) ۵، ۱۳۹٤
دریافت: ۹۳/۰۲/۱٦
پذیرش: ۹۵/۰۱/۳۱

Biannual Journal of Applied Counseling
2014, 5 (2), 57-78
Received: 06 May 2014
Accepted: 19 Apr 2016

بررسی مدل علّی مراقبت والدین و تعارض بین والدینی با صمیمیت رومانتیک با واسطه ادراک از تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی

An Investigation in to the causal model of parental care and inter parental conflict with romantic intimacy and mediating role of inter parental conflict perception and avoidance attachment

سیروس عالیپور بیرگانی*
سیمین زغیبی قناد**
الهام جولاییان***

Sirous Allipour Birgani
Simin Zeqeibi Ghannad
Elham Joulaian

چکیده

خانواده به‌عنوان مهم‌ترین محیط اجتماعی مؤثر بر رشد روانی و شخصیتی افراد شناخته می‌شود. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی مدل علّی مراقبت والدین و تعارض بین والدینی با صمیمیت رومانتیک باواسطه گری ادراک از تعارض بین والدین و دلبستگی اجتنابی در دانشجویان بود. ۱۶۴ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و ابزارهای پیوند با والدین، سبک‌های دلبستگی بزرگسالان، ادراک کودکان از تعارض بین والدینی و صمیمیت را تکمیل نمودند. تحلیل مدل با استفاده از تحلیل مسیر و نرم‌افزارهای SPSS-۲۱ و AMOS انجام شد. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش کافی برخوردار است و برازش بهتر از طریق حذف مسیرهای غیر معنی‌دار و با استفاده از شاخص‌های اصلاحی حاصل شد. همچنین، ضرایب غیرمستقیم معنی‌دار و تعدادی غیر معنی‌دار بودند. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت در شرایطی که تعارض بین والدین وجود دارد، مراقبت نامناسب پدرانه و مادرانه موجب شکل‌گیری سبک دلبستگی اجتنابی، کاهش اعتماد و کاهش صمیمیت رومانتیک در روابط بعدی می‌شود. فردی که شاهد نزاع و درگیری در روابط بین والدین خویش است، از جهت احساس کارآمدی مقابله‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد، با کاهش احساس کارآمدی مقابله در وی، احساس ناتوانی و خودسرزنشی در ارتباط با تعارض ادراک‌شده خانواده در فرد ایجاد می‌شود که در برخورد با مسائل فرد را مستعد مدیریت نادرست تعارض‌های در روابط بزرگسالی خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: تعارض بین والدینی، مراقبت والدین، صمیمیت رومانتیک، دلبستگی اجتنابی، ادراک از تعارض بین والدین

Abstract

The family is known as the most important social environment affecting mental and personality development. In this regard, the aim of this study was to test the causal model of parental care and inter parental conflict with romantic intimacy and mediating role of interparental conflict perception and avoidance attachment in students. 164 students at Shahid Chamran University select by multiple stage random sampling, and completed Children's Perception of Interparental Conflict Scale, The Personal Assessment of Intimacy, Parental Bonding Instrument and Adult Attachment Scale The data were analyzed by the SPSS and AMOS software. The findings showed that the proposed model fitted this study data sufficiently. Better fitness was obtained by omitting non significant paths and using modification indices. Also, some simple indirect effects were significant while others were non significant. According to this study results, it can be said that in the case of interparental conflict, improper paternal care and maternal care lead to the development of avoidance attachment style, decrease in trust and decrease in romantic intimacy in succeeding relationships. A person who witnessed the conflict in the relationship between his parents, is affected by a sense of efficacy for coping, so reducing his coping efficacy caused a feeling of helplessness and self-blame in relation to family perceived conflicts in the person so that encountering problems caused the patient prone to mismanagement of the conflicts in adulthood relationships .

Key words: Interparental conflict, parental care, romantic intimacy, avoidance attachment

* استادیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
** دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)
siminghannad1366@gmail.com
*** دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

مقدمه

از دغدغه‌های اساسی دوره جوانی، ایجاد و توسعه روابط صمیمانه رومانتیک به‌منظور تشکیل زندگی مشترک می‌باشد. روابط صمیمانه به‌طورکلی، از مهم‌ترین منابع شادی و احساس معنی‌داری در زندگی محسوب می‌شود و کمبود آن با افسردگی، عزت‌نفس پایین، اضطراب و خشنودی ارتباطی کمتر ارتباط دارد (پیلیج، لوتین و اریندل، ۲۰۰۵). روابط صمیمانه یا صمیمیت[1] اشاره به روابطی دارد که با اعتماد، بیهوده‌گویی[2] و حمایت عاطفی مشخص می‌شود (اورلوفسکی، ۱۹۹۳). دستیابی به صمیمیت در ابتدا مستلزم ارزش‌گذاری و جست‌وجوی صمیمیت با دیگری و سپس، داشتن ظرفیت تحمل و پذیرش طرف مقابل است. صمیمیت احساس‌های شدیدی را شامل می‌شود که بخشی جدایی‌ناپذیر از روابط نزدیک است و شخص باید قادر به اشتراک‌گذاری تجارب عاطفی خود باشد. صمیمیت همچنین، نیازمند حساسیت نسبت به احساس‌ها و سلامت دیگری، ارتباط متقابل و خود افشاگری با فرد دیگر است (کالینز و اسروف، ۱۹۹۹). صمیمیت در حالت رشد یافته آن ظرفیت استقلال، فردیت و جدایی را نیز شامل می‌شود (شالمن، لارسن، کالمن و کارلوسکی، ۱۹۹۷). روابط صمیمیانِ رومانتیک، دامنه وسیعی از رفتارها برای مثال، نزدیکی به همسر، به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی را در برمی‌گیرد. فرد دارای صمیمیت بیش‌تر، نیازهای خود را به روش مؤثرتری به شریک عاطفی یا همسر خود ابراز می‌کند (پاتریک، سلز، گیاردانو و تولرود، ۲۰۰۷).

یکی از عوامل مؤثر بر تشکیل صمیمیت رومانتیک در افراد، متغیرهای مرتبط با ساختار خانواده است که در پژوهش‌های مختلف به آن اشاره شده است. کاتوویتز (۲۰۰۷) نشان داد که پیوند مادرانه[3]، پیوند پدرانه[4] و تعارض بین والدینی[5] به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم باکیفیت روابط رومانتیک در بزرگسالی با میانجی‌گری سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی اضطرابی در ارتباط است. پژوهش‌های گذشته چگونگی مراقبت والدین از کودک و تعاملات والد–کودک را تحت مفاهیمی چون پیوند والدینی مورد بررسی قرار داده‌اند. منظور از پیوند والدینی فرایند دلبستگی است که در سنین اولیه بین مادر و کودک شکل می‌گیرد. درنتیجه‌ی تعاملات عاطفی مکرر بین مادر و کودک در رابطه طولانی مدت، پیوندهای عمیقی برقرار می‌شود. ترکیب‌های مختلف پیوند والدینی نتایج متفاوتی به بار می‌آورد (بالبی، ۲۰۰۵). مراقبت والدینی به‌عنوان یکی از ابعاد پیوند والدینی (پارکر، توپلینگ و براون، ۱۹۷۹، به نقل از سوزوکی و کیتامورا، ۲۰۱۱) به مفهوم مراقبت طبیعی والدین از کودکان در مقابل بی‌تفاوتی آن‌ها اشاره دارد. مطالعه طولی کانگر، کوی، برایانت و الدر (۲۰۰۰) نشان داد که سبک فرزند پروری مناسب در اوایل کودکی با رفتارهای رومانتیک گرم، حمایت‌گرانه و با سطح خصومت پایین در بزرگسالی در ارتباط است (کانگر و

1. intimacy
2. self-disclosure
3. maternal bonding
4. paternal bonding
5. inter parental conflict

همکاران، ۲۰۰۰). مطالعات متعددی به پیوند با والدینی و نقش آن در پیش‌بینی کیفیت روابط رومانتیک و عملکرد تحصیلی، روانشناختی و اجتماعی (گاتمن و روزنبرگ، ۲۰۰۳) و اهمیت آن در انتقال از دوره نوجوانی به بزرگسالی (ریچاردسون و مک‌کاب، ۲۰۰۱) پرداخته‌اند. سطح بالای پیوند پدرانه به‌عنوان پیش‌بینی کننده سطوح بالای تعهد، صمیمیت و اعتماد در روابط رومانتیک و در مقابل، سطح پایین پیوند پدرانه پیش‌بینی کننده‌ای از سطوح بالای سبک‌های دلبستگی ناایمن در روابط است (وان‌شیک و استالبرگ، ۲۰۰۱). این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت روابط صمیمانه در بزرگسالی با پیوند پدرانه در ارتباط است (کاتوویتز، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر، تعارض بین والدین به‌عنوان عدم توافق والدین تعریف شده است و از ناسازگاری و اختلاف‌های معمول ناشی می‌شود (بوهلر و جرارد، ۲۰۰۲). ریچاردسون و مک‌کاب (۲۰۰۱) نشان دادند که تجربه تعارض بین والدین پیش‌بین معناداری از سازگاری و سلامت روانشناختی (سطوح بالاتر افسردگی، اضطراب و استرس و سطوح پایین‌تر رضایت از زندگی و خودپنداره کلی) است (ریچاردسون و مک‌کاب، ۲۰۰۱). پژوهش‌های دیگری نیز دریافتند که سطوح تعارض خانواده و والدین، پیش‌بینی کننده کیفیت ارتباط رومانتیک در کودکان در بزرگسالی (گاباردی و روزن، ۱۹۹۲)، سطوح بالای صمیمیت و اشتیاق[1] در بزرگسالی (شالمن، شارف و مارر، ۲۰۰۱) و سلامت عاطفی (اماتو و کیت، ۱۹۹۱) است. یافته-های گاباردی و روزن (۱۹۹۲) نشان دادند افرادی که تعارض بین والدین را ادراک کرده‌اند، نگرش‌های شکاکانه و منفی‌تری نسبت به ازدواج پیدا می‌کنند. درنتیجه، اثر تعارض بین والدین و تعارض خانواده بر سلامت عاطفی و روانشناختی، روابط رومانتیک آینده افراد را به‌طور معکوس تحت تأثیر قرار می‌دهد (کاتوویتز، ۲۰۰۷). در این زمینه، اسپراگو و کینی (۱۹۹۷) دریافتند که تعارض والدین و پیوستگی خانواده پیش‌بینی کننده سبک‌های عشقی[2] و سطوح اعتماد [3] در روابط بعدی کودکان طلاق به‌عنوان نمونه‌ای بارز از تجربه تعارض در خانواده، می‌باشد. دوست و استلین (۲۰۰۳) نیز به این نتیجه رسیدند که ادراک تعارض خانواده در طول کودکی پیش‌بین قدرتمندی از روابط رومانتیک کودک در بزرگسالی و سطوح بالاتر نارضایتی زناشویی، عدم توافق با زوج و سطوح پایین‌تر حمایت زناشویی است. هایاشی و استیکلند (۱۹۹۸) دریافتند که بین تجربه سطوح بالای تعارض بین والدینی و حسادت[4] و ترس از طرد شدن[5] وجود دارد. همچنین، شرت (۲۰۰۲) رویارویی با تعارض خانوادگی را با نشانه‌های روانشناختی مثل افسردگی، رفتار ضد اجتماعی و اضطراب مرتبط دانسته است.

بر اساس نظریه بالبی، افراد مدل‌های درونی فعالی را بر مبنای تجارب شناختی خود ایجاد می‌کنند که به انتظارات و نگرش‌های آن‌ها از روابط بعدی جهت می‌دهد. به همین جهت، تجارب در ارتباط والد–

1. passion
2. love styles
3. trust levels
4. jealousy
5. fears of abandonment

کودک چگونگی فکر، احساس و رفتار را در روابط رومانتیک بعدی مشخص می‌کند. بر اساس نظریه بالبی دلبستگی به معنای پیوند عاطفی است که در کودکی بین کودک و مراقب اصلی وی شکل می‌گیرد و بر رشد اجتماعی و احساس کودک در کل زندگی مؤثر است. از دیدگاه بالبی دلبستگی یک نیاز نخستین است که از هیچ نیاز دیگری مشتق نشده است و نیازی اساسی برای تحول شخصیت است. امنیتی که به‌وسیله دلبستگی ایجاد می‌شود، مهم‌ترین ویژگی روابط در سراسر زندگی و رابطه اولیه الگویی برای روابط اجتماعی آینده می‌باشد. بالبی اظهار داشت که پیوند والد–کودک بافت غیرقابل‌جایگزینی را برای رشد هیجانی فراهم می‌نماید. به نظر وی اکثر مشکلات دوران کودکی و بزرگسالی منتج از تجربیات واقعی دوران کودکی است (بالبی، ۲۰۰۵). هینن، ساندرمن و اسپراگر (۲۰۰۹) نیز از این ایده حمایت کردند که روابط و تجارب اولیه به شکل دلبستگی بر تجارب بعدی زندگی اثر دارند. آن‌ها دریافتند که خاطرات دوران کودکی ۹۰ درصد از زنان با سبک دلبستگی آنان در بزرگسالی همبستگی دارد که می‌تواند رضایت از زندگی کلی را پیش‌بینی کند. کاتوویتز (۲۰۰۷) سبک دلبستگی را به‌عنوان میانجی احتمالی در رابطه متغیرهای پیوند والدین با فرزندان و ادراک از تعارض بین والدین با صمیمت در روابط رومانتیک مطرح کرده است. دلبستگی در بطن خانواده شکل می‌گیرد و مطابق تعریف سروف، ایگلند، کارلسون و کولینز (۲۰۰۵) مأمنی از آسایش، امنیتی برای جست‌وجو و منبعی برای اطمینان بخشیدن به کودک زمانی که دچار پریشانی می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران حوزه دلبستگی دو بعد دلبستگی را تحت الگوهای دلبستگی فرض کرده‌اند: یک بعد، اضطراب طرد شدن، که الگوی ذهنی افراد از "خود"[1] را منعکس می‌کند، یعنی، ترس تجربه‌شده از رها شدن توسط دیگران و عدم امنیت را نشان می‌دهد. بعد دیگر، اجتناب از صمیمیت است که الگوی ذهنی افراد از دیگران را منعکس می‌کند، به این مفهوم که الگوی مثبت‌تر از دیگران موجب راحت‌تر بودن در روابط صمیمانه می‌شود، درحالی‌که داشتن الگوی منفی به اجتناب از روابط صمیمی منجر می‌شود (بالبی، ۲۰۰۵). یافته‌های وان‌شیک و استالبرگ (۲۰۰۱) نشان داد که سطح پایین پیوند با والدین پیش‌بینی از دلبستگی ناایمن است. هایاشی و استیکلند (۱۹۹۸) نیز به این اشاره‌کرده‌اند که والد پذیرنده منجر به رشد سبک دلبستگی ایمن در افراد می‌شوند. فردی که پیوند والدینی (مادرانه یا پدرانه) پایینی را گزارش می‌کند، نیز به ایجاد سبک دلبستگی ناایمن گرایش دارند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی در گذشته از وجود ارتباط بین تعارض زناشویی والدین و ناایمنی در دلبستگی والد–کودک حمایت می‌کنند (اون و کاکس، ۱۹۹۷).

بالبی (۱۹۶۹، به نقل از کاتوویتز، ۲۰۰۷)، "رفتار دلبستگی[2]" را به‌عنوان جست‌وجو و حفظ تقرب و نزدیکی به فرد دیگر تعریف کرده است. دلبستگی نسبتا ثابت است و بالبی متذکر می‌شود که رفتار دلبستگی در بزرگسالی تداومی از رفتار دلبستگی در کودکی است. بنابراین، برای بیشتر افراد ارتباط با والدین به زندگی بزرگسالی تسری می‌یابد و از طرق مختلفی بر رفتار اثر می‌گذارد (بالبی، ۱۹۶۹، به نقل

1. people's model of the self
2. attachment behavior

از کاتوویتز، ۲۰۰۷). بالبی به‌عنوان ملاکی مشخص برای رفتار دلبستگی به اعتراض، عدم اعتراض و شدت اعتراض کودک، وقتی مادرش برای مدت کوتاهی او را ترک می‌کند، اشاره‌کرده است. هازن و شیور[1] (۱۹۸۷، به نقل از هولمز و جانسون، ۲۰۰۹) موفق به ردیابی آثار سه سبک دلبستگی در روابط بزرگسالی شدند. سبک دلبستگی ایمن با مشخصه‌هایی مانند صمیمیت، اعتماد، عشق، محبت به دیگران و روابط دوستانه و صمیمی مرتبط است و در مقابل سبک دلبستگی ناایمن با مشخصه‌های فقدان اعتماد به خود، ترس از صمیمیت، بی‌اعتمادی به دیگران و ناتوانی در برقراری روابط دوستانه و صمیمی همبستگی دارد. آن‌ها نشان دادند که افرادی با سبک دلبستگی ایمن ویژگی‌های خاصی را در یکی از این سه دسته گزارش می‌دهند: ارتباط والدین، رابطه با مادر و رابطه با پدر. در زمینه رابطه والدین، افراد دلبسته ایمن ازدواج والدینشان را سرشار از محبت[2]، همدلی[3] و شاد توصیف می‌کنند. در زمینه رابطه مادر–کودک آن‌ها مادرشان را محترم[4]، مسئول[5]، بااعتماد به نفس[6]، بی توقع[7] و بدون مداخله و فضولی[8] در کار خود، و در زمینه رابطه پدر–کودک، آن‌ها پدرشان را شوخ[9]، بامحبت، همدل و دوست‌داشتنی[10] توصیف کردند. این در حالی است که افراد دلبسته اجتنابی مادرانشان را سرد و طرد کننده[11] و افراد دلبسته اضطرابی پدرانشان را بی‌انصاف[12] می‌دانستند. شرکت‌کنندگانی که والدینشان را طردکننده توصیف کردند، دیدگاه منفی نسبت به جهان داشتند و دارای عزت‌نفس پایین‌تری نسبت به سایرین بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباطی بین خصوصیات والدینی با رشد تصویر از خود مثبت یا منفی و دیدگاه به جهان وجود دارد که در حقیقت کیفیت روابط را در آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد. کولینز و رید[13] (۱۹۹۰، به نقل از هولمز و جانسون، ۲۰۰۹) دریافتند افراد با سبک دلبستگی ایمن‌تر اطمینان به خود اجتماعی و حس خودارزشمندی بالاتری دارند. به‌علاوه، افراد ایمن احتمالاً باورهای مثبت‌تری را در مورد جهان اجتماعی ایجاد می‌کنند، برای مثال، این‌که مردم قابل اعتماد، نوع‌دوست، قابل اتکا و دارای کنترل بر حوادث و بروندادهای زندگی و ایستادگی در قبال باورهایشان هستند. افراد با سبک دلبستگی اضطرابی حس کمتری از خودارزشمندی، کنترل، اطمینان به خود اجتماعی، قاطعیت و کنترل بر رویدادهای زندگی

1. Hazan & Shaver
2. affectionate
3. caring
4. respectful
5. responsible
6. confident
7. not demanding
8. not intrusive
9. humorous
10. loving
11. cold and rejecting
12. unfair
13. Collins &Read

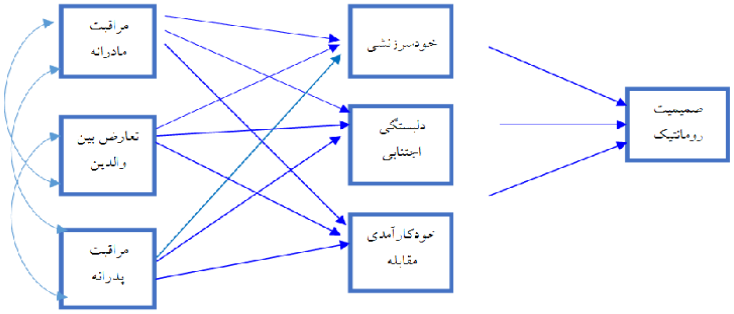
را دارا هستند. در واقع ادراک آن‌ها از دنیای اجتماعی‌شان منفی است. برنان[1] و شیور (۱۹۹۵، به نقل از هولمز و جانسون، ۲۰۰۹) دریافتند که افرادی با سبک دلبستگی اضطرابی نسبت به شریک‌شان حسودتر، به لحاظ عاطفی نیازمندتر و وابسته‌ترند، و افراد با سبک دلبستگی اجتنابی سطوح پایین‌تری از اعتماد به افراد را نشان دادند. افرادی با سبک دلبستگی ناایمن تمایل دارند کیفیت‌های پایین‌تر ارتباط برای مثال، حسادت شدید، ترس از صمیمیت و فقدان اعتماد نشان می‌دهند (سیمپسون، ۱۹۹۰). همچنین، بر اساس بررسی فینی و نولار (۱۹۹۰)، افراد دلبسته اجتنابی با احتمال بیش‌تری از عشق در روابط فاصله می‌گیرند، درحالی‌که افراد دلبسته اضطراب روابط کوتاه‌مدت‌تری دارند و افراد دلبسته ایمن روابط طولانی‌تر و پایدارتری دارند. پژوهش استینبرگ، داویلا و فینچام (۲۰۰۶) نشان داد که ادراکات منفی نوجوانان درباره تعارض بین والدینی موجب ورود آن‌ها به فاز ناایمنی در روابط والد–نوجوان و درنتیجه، انتظارات ناسازگارانه نوجوانان از روابط زناشویی و رومانتیک می‌شود.

ادراک از تعارض بین والدینی به‌عنوان ابعاد مختلف واکنشی کودکان نسبت به تعارض مفهوم‌سازی شده است. گریچ، سید و فینچام (۱۹۹۲)، مفاهیم تعارض بین والدینی، خودکارآمدی مقابله با تعارض والدین و خودسرزنشی در تعارض والدین را معرفی کرده‌اند. منظور از خودسرزنشی این است که کودک خود را مسبب دعوا و پیوند والدین و مستحق سرزنش بداند و منظور از خودکارآمدی مقابله توانایی کودک در کنار آمدن با احساس‌های منفی خود در حین و پس از دعوای والدین و کمک به توقف دعوای والدین است. براساس چارچوب شناختی–زمینه ای[2]، جوانان معنای تعارض بین والدینی را به‌گونه‌ای مؤثر بر سلامت شخصی‌شان ارزیابی می‌کنند (گریچ و فینچام، ۱۹۹۰). ارزیابی‌های منفی شامل مسئولیت‌پذیری ادراک‌شده تعارض بین والدین (خودسرزنشی) یا باور به این‌که تعارض بین والدین به‌مرور شدت می‌گیرد و منجر به صدمه و آسیب خواهد شد (تهدید)، عملکرد روانشناختی ضعیف را شامل می‌شود (جرارد، بوهلر، فرانک و اندرسون، ۲۰۰۵). اگر چنین ارزیابی‌هایی به روابط رومانتیک تعمیم یابند، می‌توانند این روابط را نیز پیش‌بینی کنند. الشیخ و هارجر (۲۰۰۱) نشان دادند که این تعمیم یافتن امکان‌پذیر است، و دریافتند که جوانان ارزیابی‌های مشابهی در مورد تعارض بین بزرگسالان ناشناس همچون والدین خود دارند. به میزانی که ارزیابی‌های منفی جوانان از تعارض تعمیم یابد، نسبت به نشانه‌های تعارض واقعی یا مبهم با شریک رومانتیک حساس‌تر می‌شوند (فوسکو و گریچ، ۲۰۰۷). پردازش اطلاعات اجتماعی تحریف یافته در حین تعامل با شرکای رومانتیک، پتانسیل تعارض و مدیریت غیرموثر تعارض را افزایش می‌دهد (کریک و داج، ۱۹۹۴). بر این اساس باید انتظار داشت تا ارزیابی‌های منفی از تعارض بین والدین با روابط رومانتیک متعارض‌تر، استفاده کمتر از حل مسئله مثبت و استفاده بیش‌تر از سبک‌های تعارض غیرموثر ارتباط داشته باشد. بر این اساس مدل‌های میانجی‌گری و تعدیل‌کننده‌ای به‌منظور تبیین اثر تعارض بین والدینی با روابط رومانتیک طراحی و آزمون شده‌اند. در یکی از این مدل‌ها، ارزیابی‌ها

1. Brennan
2. cognitive-contextual framework

به‌عنوان پاسخ‌های مستقیمی به تعارض بین والدینی مفهوم‌سازی شده‌اند که چگونگی و چرایی تأثیر تعارض بین والدینی به بروندادهای ناسازگارانه را تبیین می‌کند (جرارد و همکاران، ۲۰۰۵). مطالعات مربوط به روابط رومانتیک در بزرگسالی روشن می‌کند که تعارض بین والدینی در تشکیل و توسعه مهارت‌های حل تعارض در روابط رومانتیک مؤثر هستند. برای مثال، بزرگسالانی که والدینشان از پرخاشگری‌های کلامی و جسمانی بهره برده‌اند، همان سبک تعارضی را در روابط رومانتیک با شریک همسر خود استفاده می‌کنند (استاکر و ریچموند، ۲۰۰۷). با این حال، تعارض بین والدینی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم سازد تا افراد از تدابیر تعارضی مخرب و غیرپرخاشگرانه استفاده کنند. برای مثال، نوجوانانی که با تعارض بین والدینی مواجه شده‌اند، همزمان با ادراک تعارض و به‌منظور کاهش آن از اظهارات اجتنابی منفی، بیان عاطفه مثبت و تسلیم شدن در برابر خواسته‌های شریک رومانتیک خود استفاده می‌کنند. هرچند چنین راهبردهایی به‌احتمال‌زیاد برای حل اختلافات اجتناب‌ناپذیر مؤثر نیستند و موجب تضعیف صمیمیت می‌شوند (سایمون، کوبیلسکی و مارتین، ۲۰۰۸).

این پژوهش با مبنا قرار دادن الگوی کاتوویتز (۲۰۰۷) و گسترش آن بر اساس پژوهش‌های گذشته، الگویی از روابط بین مراقبت والدین و تعارض بین والدینی باکیفیت صمیمیت رومانتیک با میانجی‌گری دلبستگی اجتنابی و ادراک از تعارض بین والدینی (خودکارآمدی مقابله و خودسرزنشی در مواجهه با تعارض بین والدینی) طراحی و مورد آزمون قرار داده است. این وجه مضاعف در پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های گذشته که ابعاد ادراک از تعارض بین والدینی را در کنار دلبستگی اجتنابی به‌عنوان مکانیزم میانجی‌تر در ارتباط متغیرهای ساختاری خانواده با صمیمیت رومانتیک در بزرگسالی قرار می‌دهد، اهمیت و ضرورت آن را مشخص می‌کند؛ از این نظر که به نقش ارزیابی‌های شناختی و عاطفی افراد در اثرگذاری ساختارهای ادراک‌شده خانواده بر روابط بعدی افراد پرداخته است. مطابق مدل ترسیم شده روابط مستقیمی بین مراقبت والدین (مادرانه و پدرانه) و تعارض بین والدینی با خودسرزنشی، دلبستگی اجتنابی و خودکارآمدی مقابله و بین هر سه متغیر میانجی با صمیمیت رومانتیک در بزرگسالی فرض شده است.



نمودار ۱

مدل پیشنهادی بررسی رابطه علّی مراقبت والدین و تعارض بین والدینی با صمیمیت رومانتیک باواسطه ادراک از تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی (برگرفته و گسترش‌یافته از مدل کاتوویتز، ۲۰۰۷)

همچنین، فرضیه‌های غیرمستقیم و چندگانه مدل به این شرح می‌باشند: ۱. مراقبت مادرانه از طریق خود سرزنشی، خود کارآمدی مقابله و دلبستگی اجتنابی با صمیمت رومانتیک رابطه دارد. ۲. مراقبت پدرانه از طریق خود سرزنشی، خود کارآمدی مقابله و دلبستگی اجتنابی با صمیمت رومانتیک رابطه دارد. و ۳. تعارض بین والدینی از طریق خودسرزنشی، خودکارآمدی مقابله و دلبستگی اجتنابی با صمیمیت رومانتیک رابطه دارد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه‌ی پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه چمران اهواز، مشغول به تحصیل در نیمسال اول تحصیلی ۱۳۹۳ بود. ۱۶۴ دانشجوی (۷۹ پسر و ۸۵ دختر) به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ به این صورت که ابتدا از میان دانشکده‌های مختلف دانشگاه سه دانشکده (روانشناسی و علوم تربیتی، مهندسی و الهیات و معارف اسلامی) به‌طور تصادفی انتخاب شدند و سپس، در هرکدام از دانشکده‌ها تعداد ۶۰ پرسشنامه در میان دانشجویان توزیع شد که درنهایت، از میان پرسشنامه‌های گردآوری شده، ۱۶۴ پرسشنامه به مرحله تحلیل وارد شدند. در ارتباط با حجم نمونه مورد نیاز، از آنجا که در روش تحلیل مسیر، تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تعیین حجم نمونه استفاده نمود. از دیدگاه جیمز استیونس در نظر گرفتن ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر پیش‌بین در تحلیل رگرسیون چندمتغیره با روش معمولی کمترین مجذورات استاندارد، یک قاعده سرانگشتی خوب به‌حساب می‌آید (هومن، ۱۳۸۴، ص. ۲۲). به‌طورکلی در این روش تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده تعیین گردد. در پژوهش حاضر در مجموع ۷ متغیر قابل مشاهده (سه متغیر برون‌زاد و چهار متغیر درون‌زاد) وجود دارد که با توجه به‌قاعده مذکور حداقل حجم نمونه قابل قبول برای آن (۱۰۵ = ۷ × ۱۵) ۱۰۵ نفر تعیین شد.

ابزار اندازه‌گیری

مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان[1]. کولینز و رید (۱۹۹۰)، مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان را بر اساس مقیاس هازن و شاور (۱۹۸۷) تدوین و اعتباریابی کردند که شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک است و شامل ۱۸ ماده و ۳ خرده‌مقیاس (ایمن، اجتنابی و اضطرابی/دوسوگرا) می‌باشد. در این مقیاس هر خرده‌مقیاس دارای ۶

1. Adult Attachment Scale

ماده است. پاسخ‌دهندگان نظر خود را در ارتباط با میزان صحیح یا غلط بودن هر ماده بر روی یک پیوستار پنج‌درجه‌ای لیکرت، گزارش می‌کنند. در این پیوستار عدد ۱ برای "هرگز در مورد من درست نیست" و عدد ۵ برای "همیشه در مورد من درست است" در نظر گرفته می‌شود. کولینز و رید (۱۹۹۰، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۳) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها را از ۰/۶۹ تا ۰/۷۵ و ضرایب باز–آزمون آن‌ها را (با فاصله ۲ ماه و ۸ ماه) بالاتر از ۰/۷۰ و پاکدامن (۱۳۸۳) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های سبک‌های ایمنی، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ و ضریب باز–آزمایی (با فاصله چهار هفته)گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر، شاخص‌های برازندگی سبک دلبستگی اجتنابی (GFI = ۰/۹۸، AGFI = ۰/۹۶، CFI = ۰/۹۶ ، RMSEA = ۰/۰۲) برازندگی مدل این خرده‌مقیاس با داده‌ها را نشان می‌دهد.

مقیاس ادراک کودکان از تعارض بین والدین[1]. گریچ و همکاران (۱۹۹۲، به نقل از مورا، سانتوس، روشا و ماتوس، ۲۰۱۰)، مقیاس ادراک کودکان از تعارض بین والدین را مبتنی بر چارچوب شناختی–زمینه‌ای به‌منظور درک تعارض بین والدینی تدوین کردند. این مقیاس دارای ۴۷ ماده و در چهار بعد خودکارآمدی مقابله در تعارض والدین، خودسرزنشی، شدت تعارض و فراوانی تعارض بین والدین می‌باشد. ماده‌های این مقیاس بر روی یک پیوستار پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱= هرگز درست نیست و ۵ = همیشه درست است) مرتب شده است. بیکام و فیس (۱۹۹۷) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های چهارگانه بالا را به‌طور متوسط ۰/۷۳ و ضریب پایایی باز–آزمون را به ترتیب برای خرده مقیاس‌های خودکارآمدی مقابله در تعارض والدین، خودسرزنشی، شدت تعارض و فراوانی تعارض بین والدین ۰/۸۹، ۰/۸۳ و ۰/۸۴؛ استینبرگ، داویلا و فینچام (۲۰۰۶) ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب برای ویژگی‌های تعارضی، تهدید و خودسرزنشی ۰/۹۱، ۰/۸۵ و ۰/۸۰ و مورا و همکاران (۲۰۱۰) ضرایب آلفای کرونباخ را برای تمام خرده مقیاس‌های فوق از ۰/۷۶ تا ۰/۹۲ به دست آورده‌اند. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های چهارگانه از ۰/۴۸ تا ۰/۷۷ و برای کل ابزار ۰/۹۰ محاسبه گردید، و شاخص‌های برازندگی این ابزار (GFI = ۰/۹۹، AGFI = ۰/۹۴، CFI = ۰/۹۷ ، RMSEA = ۰/۰۶) داده‌ها را تأیید می‌کند.

ابزار پیوند والدینی[2]. پارکر و همکاران (۱۹۷۹)، مقیاس ابزار پیوند والدینی را تدوین کردند که شامل ۲۵ ماده و در دو فرم مجزای نگرش نسبت به مادر و پدر می‌باشد. ماده‌های این ابزار در ارتباط با چگونگی کنش والدین خود در طول ۱۶ سال ابتدایی زندگی بر روی یک پیوستار چهاردرجه‌ای لیکرت از ۰ =کاملاً نادرست تا ۳= کاملاً درست، مرتب شده است. این ابزار دو بعد مراقبت (۱۲ ماده، برای مثال، آن اندازه که نیاز داشتم به من کمک نکرده است) و بیش‌محافظتی را اندازه‌گیری می‌کند. سوزوکی و

1. The Children's Perception of Interparental Conflict Scale
2. Parental Bonding Instrument

کیتامورا (۲۰۱۱) دو فرم نگرش نسبت به پدر و مادر را با استفاده از تحلیل عوامل تأییدی مورد تأیید قرار دادند. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای دو بعد مراقبت مادرانه و پدرانه به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹۰ و نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان از تأیید ساختار عاملی این ابزار است برای فرم مادر (GFI = ۰/۹۳، AGFI = ۰/۸۵، CFI = ۰/۹۹، RMSEA = ۰/۰۲) و برای فرم پدر (GFI = ۰/۹۲، AGFI = ۰/۸۵، CFI = ۰/۹۹، RMSEA = ۰/۰۲).

پرسشنامه سنجش شخصی از صمیمیت[1]. پرسشنامه سنجش شخصی از صمیمیت توسط تریالت (۱۹۹۸) و با هدف بررسی دیدگاه یک بزرگسال یا نوجوان از خودش در روابط و تعاملات صمیمانه با شریک رومانتیک خویش، تدوین شده، و دارای ۲۴ ماده و دو بعد رابطه رومانتیک جنسی (ارتباط جنسی به من کمک می‌کند تا به شریک رابطه‌ای‌ام نزدیک‌تر شوم) و غیرجنسی (در یک رابطه رومانتیک، برای من آسان است تا احساس‌ها را با شریک رابطه‌ام در میان بگذارم) می‌باشد. ماده‌های این پرسشنامه بر روی یک پیوستار پنج‌درجه‌ای لیکرت از ۱ برای کاملاً مخالف تا ۵ برای کاملاً موافق، مرتب‌شده‌اند. تریالت (۱۹۹۸) ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۷۰ و نانالی و برناستین (۱۹۹۴) این ضریب را برای خرده‌مقیاس‌های صمیمیت جنسی و غیرجنسی بالای ۰/۷ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ و شاخص‌های برازندگی این ابزار (GFI = ۰/۹۳، AGFI = ۰/۹۰، CFI = ۰/۹۷، RMSEA = ۰/۰۳) به دست آمد، که بیانگر برازش کافی مدل است.

روند اجرای پژوهش

اجرای صحیح پرسشنامه‌ها در میان نمونه پژوهش حاضر با استفاده از دستیاران آموزش دیده انجام شد. این دستیاران در بین ساعات کلاس‌های درس پرسشنامه‌ها را به‌طور تصادفی در اختیار دانشجویان سه دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، مهندسی و الهیات و معارف اسلامی قرار دادند. در هنگام توزیع پرسشنامه‌ها توضیح‌های لازم در رابطه با هدف پژوهش، نکات مبهم پرسش‌ها و موضوع‌های اخلاقی مطرح در این زمینه را (برای مثال، حق آزادی برای عدم شرکت در پژوهش، رازداری پژوهش‌گر در مورد پنهان ماندن اطلاعات خصوصی و حق بهره‌گیری از نتایج پژوهش) در اختیار شرکت کننده ها قرار داده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌منظور آزمایش مدل پیشنهادی، از روش آماری تحلیل مسیر و شاخص‌های برازندگی از طریق از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS ویراست ۲۱ استفاده شد. همچنین برای بررسی برازش مدل از

1. Personal Assessment of Intimacy questionnaire

شاخص‌های مجذور کای (χ^2)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، نیکویی برازش (GFI)، برازش تطبیقی (CFI)، نسبت خی دو به درجه آزادی (χ^2 /df)، مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) و نیکویی برازش تعدیل‌یافته (AGFI) استفاده شد. ارزش خی دو بر انحراف استاندارد به میزان کمتر از ۳ نزدیک به برازش قابل قبول، مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) بزرگتر یا مساوی ۰/۰۵ برازش کامل و ارزش‌های مساوی یا کوچکتر از ۰/۰۸ برازش مناسب و برای شاخص‌های دیگر مانند نیکویی برازش و غیره ارزش ۰/۹۵ و یا بزرگتر از ۰/۹۵ نزدیک برازش کامل و ارزش بین ۰/۹۰ و ۰/۹۴ برازش قابل قبول، در نظر گرفته شد. به‌علاوه از روش بوت استراپ پریچر و هیز[1] برای بررسی اثرات غیرمستقیم استفاده گردید.

یافته‌ها

جدول ۱

میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خودکارآمدی مقابله	۱۳/۶۸	۳/۹۵	–						
مراقبت مادرانه	۳۷/۹۴	۸/۷۸	۰/۳۸*	-					
مراقبت پدرانه	۳۶/۱۱	۸/۷۳	۰/۳۷*	۰/۸۴*	-				
تعارض بین والدینی	۳۲/۴۴	۳/۹۵	-۰/۶۲*	-۰/۳۸*	-۰/۳۷*	-			
خودسرزنشی در تعارض	۶/۷۱	۳/۱۱	-۰/۵۱*	-۰/۳۰*	-۰/۳۴*	۰/۶۲*	-		
دلبستگی اجتنابی	۱۳/۳۰	۳/۳۹	۰/۳۳*	-۰/۲۷*	-۰/۳۲*	۰/۳۰*	۰/۲۶*	-	
صمیمیت رومانتیک	۳۲/۶۶	۵/۷۸	۰/۲۶*	۰/۱۱	۰/۱۳	-۰/۱۲	۰/۳۲*	-۰/۱۵	-

* $P < ۰/۰۱$

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین و انحراف معیار متغیرها در تعارض بین والدینی ۳۲/۴۴ و ۳/۹۵، مراقبت پدرانه ۳۶/۱۱ و ۸/۷۳، مراقبت مادرانه، ۳۷/۹۴ و ۸/۷۸، دلبستگی اجتنابی، ۱۳/۳۰ و ۳/۳۹، خودکارآمدی مقابله در تعارض، ۱۳/۶۸ و ۳/۹۵، خودسرزنشی ۶/۷۱ و ۳/۱۱ و صمیمیت رومانتیک ۳۲/۶۶ و ۵/۷۸ می‌باشد. همچنین، ضرایب همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه به‌جز بین متغیرهای صمیمیت رومانتیک با مراقبت مادرانه و مراقبت پدرانه، تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی معنی‌دار هستند ($p < ۰/۰۱$).

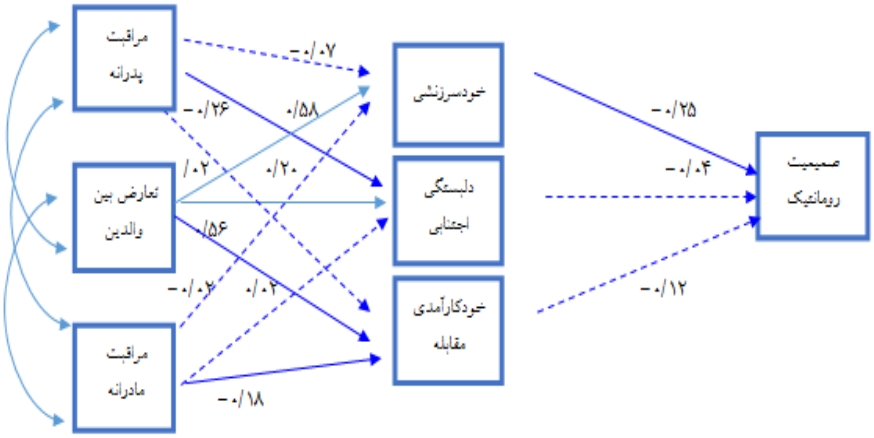
1. Preachers & Hayes

جدول۲

شاخص‌های برازندگی مدل‌های پیشنهادی و اصلاح شده

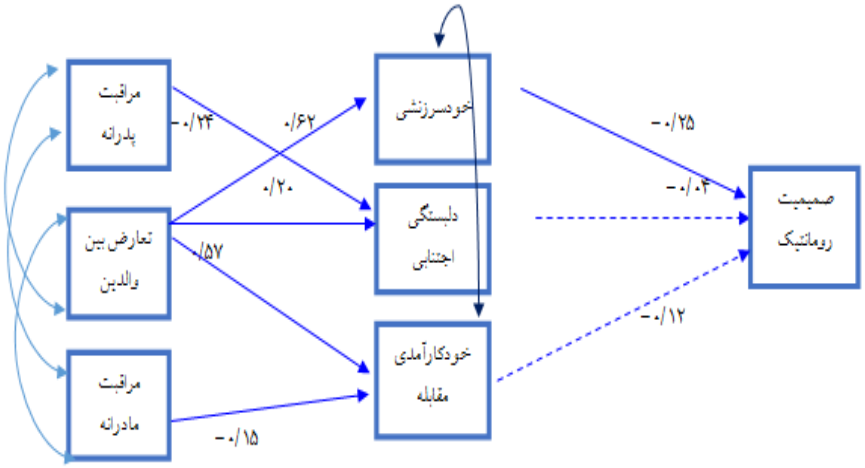
مدل‌ها	χ^2	df	$\frac{\chi^2}{df}$	GFI	AGFI	IFI	CFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۱۶/۰۸	۶	۲/۶۸	۰/۹۷	۰/۸۷	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۱۰
مدل اصلاح شده	۱۱/۷۰	۹	۱/۳۰	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۴

همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است، نتایج به‌دست‌آمده از برآورد مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که شاخص‌های مدل، با وجود معنی‌دار نشدن تعدادی از مسیرها از برازندگی قابل قبولی برخوردار است (نمودار ۲)، جهت برازش بهتر مدل پیشنهادی خطای خودسرزنشی به خودکارآمدی مقابله در مدل متصل شد و مسیرهای غیر معنی‌دار از متغیرهای مستقل به میانجی حذف شدند (نمودار ۳).



نمودار ۲

ضرایب مسیر استاندارد مدل پیشنهادی یک شاخص اصلاح از بررسی مدل علّی مراقبت والدین و تعارض بین والدینی با صمیمیت رومانتیک باواسطه ادراک از تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی



نمودار ۳

ضرایب مسیر استاندارد مدل اصلاح شده بررسی مدل علّی مراقبت والدین و تعارض بین والدینی با صمیمیت رومانتیک باواسطه ادراک از تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی

جدول ۳

ضرایب مسیر مستقیم مدل‌های پیشنهادی و اصلاح شده

	مدل پیشنهادی				مدل اصلاح شده			
مسیرها	B	β	S.E	p	B	β	S.E	p
مراقبت پدرانه به سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۱۰	-۰/۲۶	۰/۰۵	۰/۶۲	-۰/۲۴	-۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۰۰۳
تعارض بین والدینی به خودسرزنشی	۰/۵۱	۰/۵۸	۰/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۶۲	۰/۵۴	۰/۰۵	۰/۰۰۱
تعارض بین والدینی به دلبستگی اجتنابی	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۰۴	۰/۰۱۱	۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۰۴	۰/۰۱۱
تعارض بین والدینی به خودکارآمدی مقابله	۰/۳۴	۰/۵۶	۰/۰۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۷	۰/۳۴	۰/۰۴	۰/۰۰۰
مراقبت مادرانه به خودکارآمدی مقابله	-۰/۰۸	-۰/۱۹	۰/۰۵	۰/۰۹۴	-۰/۱۵	-۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۱۶
مراقبت پدرانه به خودسرزنشی	-۰/۰۵	-۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۵۱۶				
مراقبت پدرانه به خودکارآمدی مقابله	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۸۵۲				
مراقبت مادرانه به دلبستگی اجتنابی	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۸۷۳				
مراقبت مادرانه به خودسرزنشی	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۸۶۶				
دلبستگی اجتنابی به صمیمیت رومانتیک	-۰/۰۸	-۰/۰۵	۰/۱۳	۰/۵۷۰	-۰/۰۵	-۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۵۷۰
خودسرزنشی به صمیمیت رومانتیک	-۰/۲۵	-۰/۲۵	۰/۰۹	۰/۰۰۴	-۰/۲۵	-۰/۲۵	۰/۰۹	۰/۰۰۴
خودکارآمدی مقابله به صمیمیت رومانتیک	-۰/۱۷	-۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۸۱	۰/۱۲	-۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۱۸۱

جدول ۴ نشان می‌دهد، که ضرایب مسیر غیرمستقیم مراقبت مادرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری سبک دلبستگی اجتنابی، مراقبت مادرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودکارآمدی مقابله، مراقبت پدرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودکارآمدی مقابله، تعارض بین والدین با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری سبک دلبستگی اجتنابی، تعارض بین والدین با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودسرزنشی و تعارض بین والدین با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودکارآمدی مقابله، معنادار نیستند، و مسیرهای غیرمستقیم دیگر معنادار هستند.

جدول۴
ضرایب غیرمستقیم به روش بوت استراپ پریچر و هیز

مسیر	داده‌ها	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد پایین	حد بالا
مراقبت مادرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۰۱	۰/۰۱	-۰/۰۰	۰/۰۲	-۰/۰۳	۰/۰۵
مراقبت مادرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودسرزنشی	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۱۱
مراقبت مادرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودکارآمدی مقابله	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۰	۰/۰۳	-۰/۰۲	۰/۰۹
مراقبت پدرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۰۱	۰/۰۱	-۰/۰۰	۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۵
مراقبت پدرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودسرزنشی	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۱۲
مراقبت پدرانه با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودکارآمدی مقابله	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۰	۰/۰۳	-۰/۰۲	۰/۰۹
تعارض بین والدین با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۲	-۰/۰۷	۰/۰۲
تعارض بین والدین با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودسرزنشی	-۰/۱۹	-۰/۱۹	-۰/۰۰	۰/۰۶	-۰/۳۱	۰/۰۸
تعارض بین والدین با صمیمیت رومانتیک با میانجیگری خودکارآمدی مقابله	-۰/۱۲	-۰/۱۲	-۰/۰۰	۰/۰۶	-۰/۲۲	۰/۰۲

بحث

هدف کلی از اجرای پژوهش حاضر، بررسی مدل علّی مراقبت والدین و تعارض بین والدینی با صمیمیت رومانتیک با میانجی‌گری ادراک از تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی در دانشجویان دانشگاه چمران اهواز بود. مدل پیشنهادی در بین دانشجویان شهیدچمران اهواز مورد آزمون قرار گرفت. در ابتدا، ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای پژوهش حاضر نشان داد که از میان ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش روابط صمیمیت رومانتیک با مراقبت مادرانه، مراقبت پدرانه، تعارض بین والدینی

و دلبستگی اجتنابی معنی‌دار نیستند؛ و بیشترین ضریب همبستگی را صمیمیت رومانتیک با خودسرزنشی در تعارض بین والدینی دارد. همبستگی‌های غیر معنی‌دار ابعاد مراقبت والدینی، تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی با صمیمیت رومانتیک با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (کانگر و همکاران، ۲۰۰۰؛ گاتمن و روزنبرگ، ۲۰۰۳؛ گاباردی و روزن، ۱۹۹۲؛ اسپراگو و کینی، ۱۹۹۷؛ دوست و استالین، ۲۰۰۳؛ سیمپسون، ۱۹۹۰؛ استینبرگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ فینی و نولار، ۱۹۹۰) یکی نیست. پژوهش‌های مذکور به‌طور مکرر بر ارتباط دلبستگی ناایمن و اجتنابی با صمیمیت تأکید داشته‌اند.

دو تبیین احتمالی برای معنی‌دار نشدن ضرایب همبستگی پژوهش حاضر مطرح می‌شود: اول این‌که، امکان دارد مقیاس سنجش شخصی از روابط رومانتیک سنجش پایایی از کیفیت روابط رومانتیک در نمونه‌های متعدد نباشد، در این صورت باید تحلیل‌های جداگانه‌ای در دختران و پسران دانشجو صورت گیرد تا احتمال این فرضیه مشخص گردد. دومین علت احتمالی کاهش ضرایب همبستگی مورداشاره در پایایی به‌دست‌آمده مقیاس دلبستگی اجتنابی و برخی ابعاد تعارض بین والدینی است که مقدار متوسطی را کسب کردند که نشان‌دهنده احتمال وجود اشکال در پاسخ‌دهی به ماده‌های این مقیاس‌ها در نمونه کلی یا در برخی از زیرگروه‌های این پژوهش است.

از سوی دیگر، نتایج تحلیل مدل پیشنهادی نشان داد که تعدادی از مسیرهای مستقیم مفروض (۶ مسیر) که همگی توسط پژوهش‌های پیشین به‌خوبی مورد تأیید قرارگرفته بودند، در تحلیل مسیر غیر معنی‌دار و رد شدند. در بین این مسیرها تنها مسیر دلبستگی اجتنابی به صمیمیت رومانتیک در همبستگی‌های ساده نیز غیرمعنی‌دار بود. از آن‌جایی که تحلیل مسیر در حقیقت گسترشی از معادلات و مدل‌های رگرسیونی است و در روش رگرسیون به دلیل همپوشی بین واریانس متغیرهای پیش‌بین برخی ضرایب غیر معنی‌دار می‌شوند، همین وضعیت در مورد تحلیل مسیر هم صادق است، این احتمال هست که ارتباطی به‌صورت مجزا و همبستگی دومتغیری برقرار باشد اما کنش بین متغیرها آن را غیر معنی‌دار کند. از میان سایر مسیرهای معنی‌دار، می‌توان به مسیرهای تعارض بین والدینی به خودسرزنشی، خودکارآمدی مقابله و دلبستگی اجتنابی، مراقبت پدرانه به دلبستگی اجتنابی و خودسرزنشی به صمیمیت رومانتیک اشاره کرد. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش‌های پیشین هماهنگی دارد (گریچ و همکاران، ۱۹۹۲؛ استیلبرگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ وان‌شیک و استالبرگ، ۲۰۰۱).

یکی از نکات قابل توجه در ارتباط با مغایرت نتیجه پژوهش حاضر با پژوهش‌های گذشته در زمینه روابط غیرمعنادار صمیمیت رومانتیک با سایر متغیرهای پژوهش به مفهوم آن مربوط می‌شود. از این جهت که در کشور ما به دلیل ویژگی‌های فرهنگی، داشتن رابطه صمیمانه خارج از چارچوب ازدواج با سایر فرهنگ‌ها معنایی متفاوت دارد، به نحوی که افشاگری، اعتماد و رابطه جنسی پیش از ازدواج در فرهنگ ما مسئله‌ای مرسوم و پذیرفته شده نیست و نمونه حاضر نیز از لحاظ وضعیت تا هل تفکیک نشده بود. از سوی دیگر، هرچند صمیمیت برای برخی افراد شامل حساسیت نسبت به احساس دیگری، ارتباط متقابل و خود افشاگری با فرد دیگر است، اما در حالت رشد یافته آن ظرفیت استقلال، فردیت و

جدایی را نیز شامل می‌شود. بنابراین، در این‌جا برداشت‌های افراد نسبت به واژه صمیمیت متفاوت می‌شود. با استناد به همین دلایل احتمال دارد سنجش گویا و یک‌دستی از متغیر صمیمیت در نمونه‌ی حاضر صورت نگرفته باشد و همبستگی صمیمیت با دلبستگی اجتنابی و سایر سازه‌ها کاهش یافته باشد.

همچنین، پژوهش حاضر نشان داد که مراقبت مادرانه با خودسرزنشی در تعارض بین والدین و سبک دلبستگی اجتنابی و مراقبت پدرانه با خودسرزنشی در برابر تعارض بین والدین و خودکارآمدی مقابله رابطه ندارد. بنابراین، درحالی‌که هر دو بعد مراقبت (مادرانه و پدرانه) با خودسرزنشی متغیر بی‌ارتباط است، بین تعارض بین والدین و خودسرزنشی ارتباط معناداری وجود دارد. رابطه اخیر کاملاً قابل پیش‌بینی است چون این یافته نیز به‌منظور تبیین دقیق‌تر باید در پژوهش‌های آینده به تفکیک متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای مثل جنسیت مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر نشان داد که تعارض بین والدین با خودسرزنشی و خودکارآمدی مقابله در برابر تعارض بین والدین ارتباط معناداری دارد. خودسرزنشی شامل مسئولیت‌پذیری ادراک‌شده تعارض بین والدین و خودکارآمدی مقابله به توانایی فرد در کنار آمدن با احساس‌های منفی خود در حین و پس از دعوای والدین و کمک به توقف دعوای والدین اطلاق می‌شود. بنابراین، خودسرزنشی و خودکارآمدی مقابله در حقیقت ابعادی از ادراک تعارض بین والدین هستند که در زمینه تعارض رخ می‌دهند. در پژوهش حاضر، ارتباط خودسرزنشی در تعارض بین والدین با صمیمیت رومانتیک نیز معنادار بود. در واقع، بر اساس تعریفی که در سطور پیشین آمد، خودسرزنشی موجب می‌شود تا فرد به‌منظور پیش‌گیری از شدت یافتن تعارض و صدمات بعدی در رابطه، از صمیمیت با طرف مقابل اجتناب کند و نتواند رفتارهای صمیمانه مثل اعتماد و افشاگری را در رابطه متقابل به نمایش بگذارد.

پژوهش حاضر بین مراقبت پدرانه و سبک دلبستگی اجتنابی نیز ارتباطی معنادار یافت. بر اساس پژوهش‌های پیشین، سطح پایین پیوند پدرانه پیش‌بینی کننده‌ای از سطوح بالای سبک دلبستگی ناایمن در روابط است (گاتمن و روزنبرگ، ۲۰۰۳). یافته دیگر پژوهش این بود که تعارض بین والدینی با دلبستگی اجتنابی رابطه معنادار دارد. تعارض بین والدینی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم سازد تا افراد به‌منظور کاهش تعارض از تدابیر تعارضی مخرب و غیر پرخاشگرانه‌ای همچون اظهارات اجتنابی منفی، بیان عاطفه مثبت و تسلیم شدن در برابر خواسته‌های شریک رومانتیک خود استفاده کنند (سایمون و همکاران، ۲۰۰۸). این رفتارها در ماهیت ارتباطی خود جنبه اجتنابی دارند و ازاین‌رو ارتباط بین این دو متغیر را توجیه‌پذیر می‌سازند. یافته دیگر این پژوهش معناداری رابطه مراقبت مادرانه با خودکارآمدی مقابله در تعارض بین والدین و عدم معناداری ارتباط مراقبت پدرانه با خودکارآمدی مقابله بود. این یافته حداقل تا حدودی بر اهمیت و نقش کلیدی مادر در یادگیری راهکارهای مقابله در تعارض در محیط خانواده تأکید می‌کند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که مراقبت و پیوند نامناسب با پدر، از طریق اثرگذاری بر احساس دلبستگی اجتنابی موجب می‌شود تا افراد سطوح پایین‌تری از اعتماد به دیگران را نشان دادند و کیفیت هایی مثل حسادت شدید، ترس از صمیمیت و فقدان اعتماد را در روابط خود به نمایش بگذارند

که به کیفیت پایین روابط رومانتیک در بزرگسالی منجر شود. از سوی دیگر، ارزیابی‌های منفی فرزندان از تعارض بین والدین در خانواده بنا بر تبیین‌های شناختی-زمینه‌ای (گریچ و فینچام، ۱۹۹۰) بر عملکرد روانشناختی، سلامتی، حساسیت نسبت به نشانه‌های تعارض و شیوه حل مسئله آنان اثرگذار است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، فردی که شاهد نزاع و درگیری در روابط بین والدین خویش است، از جهت احساس کارمدی مقابله‌ای یا سبک حل تعارض غیرموثر (کریک و داج، ۱۹۹۴) تحت تأثیر قرار می‌گیرد، با کاهش احساس کارآمدی مقابله در وی، یکی از واکنش‌های نادرست فرد نشانه رفتن پیکان سرزنش به سوی خویش و مقصّر دانستن خود است، به این معنا که احساس ناتوانی در ارتباط با تعارض ادراک‌شده در خانواده یکی از علل احتمالی خودسرزنشی است، که این شیوه برخورد با مسائل پیش آمده فرد را مستعد مدیریت نادرست تعارض‌های در روابط بزرگسالی خویش خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

مدلی که ارائه و آزمون شد، اشاره می‌کند که مقتضیات محیط تربیتی اولیه به‌طور غیرمستقیم بر صمیمیت در روابط آینده اثرگذار است. چنین مدلی مجموعه‌ای از متغیرها را در کنش‌های متقابل و تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم فرض می‌کند که بینشی عملی و نزدیک به محیط طبیعی زندگی در اختیار ما قرار خواهد داد. چنین تاثیراتی برای هر یک از متغیرهای مراقبت پدرانه، مادرانه و تعارض بین والدین متفاوت است. برای مثال، مراقبت ناکافی و نامناسب پدرانه موجب شکل‌گیری سبک دلبستگی اجتنابی، کاهش اعتماد در روابط و کاهش صمیمیت در روابط رومانتیک بزرگسالی می‌شود. مطالعه‌ی حاضر، مانند سایر پژوهش‌های علوم رفتاری، دارای محدودیت‌های مربوط به صحّت و تعمیم‌پذیری نتایج است. اولین محدودیت این است که به علت استفاده از روش تحلیل مسیر در پژوهش حاضر، اثبات علیت در رابطه‌ی بین متغیرها باید با احتیاط صورت گیرد. محدودیت دیگر مربوط به سوگیری تک‌روشی است. استفاده‌ی صرف از پرسشنامه‌های خودگزارشی و احتمال عدم صداقت و بی‌دقتی مشارکت‌کنندگان در پاسخگویی به پرسشنامه‌ها منجر به کاهش اعتبار سازه‌ی پژوهش می‌شود. سوم این‌که پژوهش حاضر روی دانشجویان دانشگاه شهیدچمران اهواز صورت گرفته است. بنابراین، لازم است در تعمیم نتایج آن به سایر جمعیت‌ها و محیط‌ها رعایت احتیاط صورت گیرد. انجام پژوهش‌های طولی در این زمینه به نتیجه‌گیری-های علیّتی دقیق‌تر کمک می‌کند. پژوهش‌گران آینده همچنین، می‌توانند مدل حاضر را در سایر جوامع و محیط‌ها و به تفکیک جنسیت انجام دهند. همچنین، پژوهش‌گران در جهت افزایش اعتبار سازه‌ی پژوهش خود، علاوه بر پرسشنامه‌های خودگزارشی از مشاهده‌ی میدانی رفتار و مصاحبه با افراد بهره ببرند. پژوهش حاضر نشان داد که صمیمیت رومانتیک به‌عنوان یکی از ابعاد تعیین‌کننده‌ی عشق در روابط زناشویی افراد با نحوه مراقبت شدن توسط والدین و تعارض بین والدین رابطه دارد، این رابطه تحت تأثیر راهکارهای مقابله‌ای وکیفیت دلبستگی افراد قرار می‌گیرد، ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود که

به‌منظور ارتقای کیفیت صمیمیت، به‌منظور مداخله در برداشت‌ها، نگرش‌ها و راهکارهای مقابله‌ای افراد در رویارویی با تعارض‌های رابطه‌ای تدابیری اندیشید.

منابع

پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۳ (۹)، ۴۹-۲۵.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). *مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل*. انتشارات سمت.

Amato, P. R., & Keith, B. (1991). Parental divorce and the well-being of children: A meta-analysis. *Psychological Bulletin,* 110(1), 26-46.

Bickham, N. L., & Fiese, B. H. (1997). Extension of the Children's Perception of Interparental Conflict Scale for use with late adolescents. *Journal of Family Psychology,* 11, 246–250.

Bowlby, J. (2005). *The making and breaking of affection bonds*. New York: Rutledge.

Buehler, C., & Gerard, J. M. (2002). Marital conflict, ineffective parenting, and children's and adolescents' maladjustment. *Journal of Marriage and Family,* 64, 78-92.

Buehler, C., & Gerard, J. M. (2002). Marital conflict, ineffective parenting and children and adolescents maladjustment. *Journal of Marriage and Family,* 64, 78-92.

Collins, W. A., & Sroufe, L. A. (1999). Capacity for intimate relationships: a developmental construction. In W. Furman, B. B. Brown & C. Feiring (Eds.), *The Development of Romantic Relationships in Adolescence* (pp. 125-147). Cambridge: Cambridge University Press.

Conger, R. D., Cui, M., Bryant, C. M., & Elder, G. H. (2000). Competence in early adult romantic relationships: A developmental perspective on family influences. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 224–237.

Crick, N. R., & Dodge, K. A. (1994). A review and reformulation of social information-processing mechanisms in children's social adjustment. *Psychological Bulletin*, 115, 74–101.

Doucet, J., & Aseltine, R. H. (2003). Childhood family adversity and the quality of marital relationships in young adulthood. *Journal of Social and Personal Relationships,* 20(6), 818-842.

El-Sheikh, M., & Harger, J. (2001). Appraisals of marital conflict and children's adjustment, health, and physiological reactivity. *Developmental Psychology,* 37, 875–885.

Fosco, G. M., & Grych, J. H. (2007). Emotional expression in the family as a context for children's appraisals of interparental conflict. *Journal of Family Psychology,* 21(2), 248-258.

Gabardi, L., & Rosen, L. A. (1992). Intimate relationships: College students from divorced and intact families. *Journal of Divorce & Remarriage,* 18(3)*,* 25-56.

Gerard, J. M., Buehler, C., Franck, K., & Anderson, O. (2005). In the eyes of the beholder: Cognitive appraisals as mediators of the association between inter parental conflict and youth maladjustment. *Journal of Family Psychology*, 19(3), 376 –384.

Grych, J. H., & Fincham, F. D. (1990). Marital conflict and children's adjustment: A cognitive–contextual framework. *Psychological Bulletin, 108,* 267–290.

Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, F. D. (1992). Assessing marital conflict from the child's perspective: The Children's Perception of Interparental Conflict Scale. *Child Development*, 63, 558–572.

Guttmann, J., & Rosenberg, M. (2003). Emotional intimacy and children's adjustment: A comparison between single-parent divorced and intact families. *Educational Psychology,* 23(4), 457-472.

Guttmann, J., & Rosenberg, M. (2003). Emotional intimacy and children's adjustment: A comparison between single-parent divorced and intact families. *Educational Psychology,* 23(4), 457-472.

Hayashi, G. M., & Strickland, B. R. (1998). Long-term effects of parental divorce on love relationships: Divorce as attachment disruption. *Journal of Social and Personal Relationships,* 15, 23-38.

Hinnen, C., Sanderman, R., & Sprangers, M. A. G. (2009). Adult attachment as mediator between recollections of childhood and satisfaction with life. *Clinical Psychology and Psychotherapy,* 16, 10-21.

Holmes, B. M., & Johnson, K. R. (2009). Adult attachment and romantic partner preference: A review. *Journal of Social and Personal Relationships*, 26(6–7), 833–852.

Katowitz, A. E. (2007). Family structures and adult romantic relationships. *Psychology Honors Projects.* Paper 3. http://digitalcommons.macalester.edu/psychology_honors/3.

Moore, K. A., McCabe, M. P., & Stockdale, J. E. (1998). Factor analysis of the Personal Assessment of Intimacy in Relationships Scale (PAIR): Engagement, communication and shared friendships. *Sexual and Marital Therapy,* 13(4), 361-368.

Moura, A., Santos, O. R., Rocha, M., & Matos, P. M. (2010). Children's Perception of Interparental Conflict Scale (CPIC): Factor structure and invariance across adolescents and emerging adults. *International Journal of Testing*, *10*, 364–382.

Nunnally, J. C., & Bernstein, I. H. (1994). Psychometric Theory. New York: McGraw-Hill.

Orlofsky, J. L. (1993). Intimacy status: theory and research. In J. E. Marcia (Ed.), *Ego identity: A handbook for psychological research* (pp. 111-133). New York: Springer-Verlag.

Owen, M. T., & Cox, M. J. (1997). Marital conflict and the development of infant–parent attachment relationships. *Journal of Family Psychology,* 11, 152–164.

Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation and personality satisfaction with life. *Clinical Psychology and Psychotherapy,* 16, 10-21.

Pielage, S., Luteijn, F., & Arrindell, W. (2005). Adult attachment, intimacy and psychological distress in a clinical and community sample. *Clinical Psychology and Psychotherapy,* 12, 455-464.

Richardson, S., & McCabe, M. P. (2001). Parental divorce during adolescence and adjustment in early adulthood. *Adolescence,* 36(143), 467-488.

Short, J. L. (2002). The effects of parental divorce during childhood on college students. Journal of Divorce & Remarriage, 38(1-2), 143-155.

Shulman, S., Laursen, B., Kalman, Z., & Karpovsky, S. (1997). Adolescent intimacy: revisited. *Journal of Youth and Adolescence,* 26, 597–617.

Shulman, S., Scharf, M., Lumer, D., Maurer, O. (2001). Parental divorce and young adult children's romantic relationships: Resolution of the divorce experience. *American Journal of Orthopsychiatry,* 71(4), 473-478.

Simon, V. A., Kobielski, S. J., & Martin, S. (2008). Conflict beliefs, goals, and behavior in romantic relationships during late adolescence. *Journal of Youth and Adolescence,* 37, 324–335.

Simpson, J. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology,* 59(5), 971-980.

Sprague, H. E., & Kinney, J. M. (1997). The effects of interparental divorce and conflict on college students' romantic relationships. *Journal of Divorce & Remarriage,* 27(1/2), 85-104.

Sroufe, L. A., Egeland, B., Carlson, E., & Collins, W. A. (2005). *Placing early attachment experiences in developmental context*. In K. E. Grossmann, K. Grossmann, & E. Waters (Eds.), Attachment from infancy to adulthood: The major longitudinal studies, 48-70. New York: Guilford Publications.

Steinberg, S. J., Davila, J., & Fincham, F. (2006). Adolescent marital expectations and romantic experiences: Associations with perceptions about parental conflict and adolescent attachment security. *Journal of Youth and Adolescence,* 35(3), 333-348.

Stocker, C. M., & Richmond, M. K. (2007). Longitudinal associations between hostility in adolescents' family relationships and hostility in their romantic relationships. *Journal of Family Psychology*, 21, 490–497.

Suzuki, H., & Kitamura, T. (2011). The parental bonding instrument: A four-factor Structure model in a japanese college sample. *The Open Family Studies Journal*, 4, 89-94.

Thériault, J. (1998). Assessing intimacy with the best friend and the sexual partner during adolescence: The PAIR-M inventory. *The Journal of Psychology,* 132(5), 493-506.

Van Schaick, K., & Stolberg, A. L. (2001). The impact of paternal involvement and parental divorce on young adults' intimate relationships. *Journal of Divorce & Remarriage,* 36(1-2), 99-121.